

مشارکت زنان در توسعه مرکز گردشگری روستا و تأثیر آن بر توسعه پایدار روستایی

حبیب الله ترشیزیان^۱، پونه اشبک^۲

دانشگاه آزاد اسلامی - استادیار - گروه زمین‌شناسی^۱ مرکز آموزش عالی کاشمر - مدرس مدعو - گروه مهندسی آب^۲

Eshbackpooneh@yahoo.com

چکیده

در دنیای کنونی، رسیدن به اهداف توسعه، بدون استفاده از ذخیره عظیم زنان، امری غیرممکن خواهد بود. در این راستا اندیشمندان امروز توسعه که گرایش به دیدگاه سیستمی به عنوان یک مکتب کل نگر دارند، برای مشخص کردن الگوهای توسعه روستایی، حضور زنان را در تمامی ابعاد به عنوان نیمی از نیروی انسانی بالقوه فعال مطرح کرده و امکان توسعه پایدار روستایی به واسطه رونق گردشگری را بدون مشارکت این نیمه فراموش شده عملی نمی‌بینند. به بیان دیگر، توسعه منابع انسانی، عامل کلیدی و پیش شرط ضروری برای دستیابی به توسعه پایدار روستایی به شمار می‌رود. به همین سبب با توجه به وضعیت کنونی جهان می‌توان گفت که توسعه پایدار در روستاهای ما زمانی امکان پذیر است که، زنان صاحب درآمد و مالک منابع مالی همراه با دخالت و مشارکت در امور و مسائل اجتماعی جامعه خود شوند (آزادی و کرمی، ۱۳۷۶). این مقاله که به روش مطالعه کتابخانه‌ای و استفاده از منابع اینترنتی تهیه شده است، تلاش می‌کند ضمن بررسی نقش و جایگاه مشارکت زنان در توسعه پایدار روستایی، راهکارهای لازم را در خصوص تقویت مشارکت زنان در زمینه‌های گوناگون جهت دستیابی به توسعه مرکز گردشگری روستا و در نهایت، ایجاد توسعه پایدار روستایی ارائه کند.

کلیدواژه‌ها: توسعه پایدار، روستا، گردشگری، کندر، ترشیز.

۱- دکتری زمین‌شناسی - رسوب‌شناسی و سنگ‌شناسی رسوبی - دانشگاه آزاد اسلامی مشهد - ریاست نظام مهندسی معدن خراسان رضوی.

۲- دکتری زمین‌شناسی - اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد.



۱- مقدمه

تحولات چشمگیر در دو دهه اخیر در جهان باعث شده که کاهش نابرابری‌های جنسیتی جزء جدایی‌ناپذیر فرآیند توسعه شود و یکی از مهم‌ترین این تحولات، ضرورت و اهمیت حضور زنان در جامعه است (اشرف حامدی، ۱۳۸۵). در واقع مشارکت زنان همراه مردان در تمامی مسائل نشان پذیرش برابری ارزش انسانی همه آحاد جامعه است که با همدیگر در امور مختلف همکاری کرده و از طریق آن دست به تحول می‌زنند و تغییراتی مثبت را به وجود می‌آورند که برای آینده کل جامعه می‌تواند مفید و مؤثر افتد (صفری شالی، ۱۳۸۰). به عبارت دیگر، مشارکت زنان در تمامی زمینه‌های زندگی اقتصادی و اجتماعی و همچنین یکی از مهم‌ترین عوامل دستیابی به توسعه پایدار روستایی بوده و ضرورتی بنیادین دارد. از طرف دیگر زنان نسبت به مردان به دلایل خاص روان‌شناختی و الگوهای رفتاری، نابودی محیط زیست را زودتر درک کرده و نسبت به آن واکنش نشان می‌دهند. از این رو، برنامه‌ریزان توسعه در سال‌های اخیر به نقش زنان در توسعه، به خصوص توسعه پایدار روستایی توجهی فراوان مبذول داشته‌اند (رحیمی، ۱۳۸۰).

اندیشمندان امروز توسعه که گرایش به دیدگاه سیستمی به عنوان یک مکتب کل نگر دارند، برای مشخص کردن الگوهای توسعه روستایی حضور زنان را در تمامی ابعاد به عنوان نیمی از نیروی انسانی بالقوه فعال مطرح کرده و امکان توسعه پایدار روستایی را بدون مشارکت این نیمه فراموش شده عملی نمی‌بینند؛ به همین جهت، با توجه به وضعیت کنونی جهان، می‌توان گفت که توسعه پایدار در روستاهای ما زمانی امکان‌پذیر است که زنان ضمن کار و تلاش طاقت‌فرسا، صاحب درآمد و مالک منابع مالی همراه با دخالت و مشارکت در امور و مسائل اجتماعی جامعه خود شوند (صفری شالی، ۱۳۸۰). امروزه، اهمیت توسعه روستایی و نقش حیاتی آن در توسعه و پیشبرد کشورها، به ویژه کشورهای در حال توسعه بر هیچ کس پوشیده نیست و به باور کارشناسان و دست‌اندرکاران امر، تحقق این مهم در گرو توسعه منابع انسانی است. به همین اعتبار، اولویت رشد و توسعه منابع انسانی بر سایر وجوه توسعه روستایی، امری انکارناپذیر است. به بیان دیگر، توسعه منابع انسانی، عامل کلیدی و پیش شرط ضروری برای دستیابی به توسعه پایدار روستایی به شمار می‌رود. در دنیای کنونی نیز، رسیدن به اهداف توسعه، بدون استفاده از ذخیره عظیم زنان، امری غیرممکن خواهد بود (موحدی و همکاران، ۱۳۸۵).

توسعه پایدار روستایی می‌تواند اساس و پایه‌ای برای توسعه پایدار کشاورزی باشد، لذا یکی از راهبردهای مطمئن در زمینه توسعه روستایی از جمله توسعه یکپارچه و توسعه روستایی پایدار است (رضوانی، ۱۳۸۱؛ رسولزاده، ۱۳۸۷). بدین ترتیب توسعه پایدار جریانی است پایدار در تغییرات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی برای افزایش و ترقی رفاه و خوشبختی طولانی‌مدت کل اجتماع به سخن دیگر، پوششی چند بُعدی است که به گونه‌ای پایدار در صدد وحدت اهداف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی است (مُسلی، ۲۰۰۲). توسعه پایدار می‌تواند همچون حرکتی برای تغییرات چند بُعدی مؤثر بر جامعه روستایی تعریف شود. رشد اقتصادی، بهبود شرایط محیطی و حفظ ارزش‌های محیطی از مشخصه‌های مهم آن است (اوکلی و مارسدن، ۱۳۷۰)، بنابراین با توجه به اهمیت مطالب فوق، هدف کلی این مقاله بررسی نقش و اهمیت مشارکت زنان در توسعه پایدار روستایی از طریق مشارکت در مواردی همچون توسعه مرکز گردشگری روستا مورد بحث قرار گرفته است.

۲- نقش محوری زنان روستایی



زنان بنا به ارادهٔ پروردگار حیات‌بخش و پرورش‌دهندهٔ انسان خاکی هستند (صفری شالی، ۱۳۸۰)، به طوری که اولین و مهم‌ترین وظیفه‌ای که طبیعت بر عهدهٔ آنان گذاشته، باروری، جان بخشیدن و فرزندزایی، شیر دادن و رسیدگی اولیه به کودک است که بقای نسل و اساس هستی انسان‌ها را رقم می‌زند و این وجود هستی‌ساز آن‌ها را از مردان متمایز می‌کند. زن دوشادوش و همراه مرد در سراسر زندگی بشری نقش اساسی‌ای را بازی کرده و این دو همواره مکمل بوده‌اند. زنان نیز همواره در پی سلامت، ثروت، آسایش، ارتقاء سطح معلومات، آگاهی‌ها، مهارت‌ها و کمال‌جویی‌های خود هستند و نشان داده‌اند که می‌توانند افرادی مطلع، خلاق، صاحب نفوذ، کارآمد و مدیر باشند، حس کنجکاوی خود را ارضا کنند، دوست بدارند و مورد محبت قرار گیرند (حیدری و جهان نما، ۱۳۸۲). زنان روستایی نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای در روند توسعهٔ روستایی دارند، به طوری که از جنبهٔ اقتصادی، زنان روستایی تولیدکنندهٔ بیش از نیمی از تمام مواد غذایی‌ای هستند که در مناطق روستایی تولید می‌شود. زنان در واقع مدیران اقتصاد خانوار بوده، بسیاری از فعالیت‌های مرتبط با آماده‌سازی، نگهداری و فرآیند مواد غذایی را بر عهده دارند و در امور مربوط به نگهداری از دام‌ها، تهیهٔ مواد غذایی، جمع‌آوری سوخت و مدیریت اقتصاد خانوار نیز نقش عمده‌ای ایفا می‌کنند، طوری که در چند سال اخیر، این نکته به خوبی روشن شده است که سهم عمده‌ای از درآمد خانوارهای روستایی از طریق فعالیت زنان به دست می‌آید و در برخی موارد حتی سهم درآمد زنان در اقتصاد خانوار، بیش از سهم مردان است. در فرآوری مواد غذایی نیز، زنان نه تنها مدیریت تغذیه و تأمین مواد غذایی، بلکه نقشی اساسی نیز در جمع‌آوری و تأمین سوخت برای تهیه و تولید مواد غذایی بر عهده دارند (عمادی، ۱۳۷۷).

۳- مفهوم مشارکت و ویژگی‌های آن

در ادبیات توسعه، به‌ویژه توسعه پایدار، واژه مشارکت جایگاه مهمی دارد. مفهوم واژه مشارکت، امروزه تبدیل به یکی از واژه‌های کلیدی در فرهنگ توسعه شده است. با وجود این، هنوز برداشت مشخص و یکسان از مفهوم مشارکت وجود ندارد و به بیان ساده مشارکت نزد کارشناسان مختلف توسعه، معانی متفاوتی می‌دهد. این تفاوت برداشت تنها شامل درک معنی واژه مشارکت نشده، بلکه ریشه‌های تاریخی، کاربرد عملی یا دلالت‌های نظری آن را نیز دربرمی‌گیرد. با توجه به تعریف لاکشامان (۱۳۷۶) می‌توان مشارکت را عبارت از دخالت مردم در توسعه و تکامل خود، زندگی‌شان و محیط زیست دانست (فمی و همکاران، ۱۳۸۳). مشارکت، وسیلهٔ افزایش و توزیع مجدد فرصت‌های شرکت جستن در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و همیاری در توسعه و بهره‌مند شدن از ثمرات آن تلقی می‌شود. مشارکت در مفهوم گسترده‌اش به معنی برانگیختن حساسیت مردم و در نتیجه به معنی افزایش درک و توان روستاییان جهت پاسخ‌گویی به طرح‌های توسعه و نیز به مفهوم تشویق ابتکارات محلی است (اوکلی و مارسدن، ۱۹۸۹).

مؤسسه تحقیقات توسعه اجتماعی سازمان ملل متحد مشارکت مردمی را چنین تعریف می‌کند: «کوشش‌های سازمان‌یافته برای افزایش کنترل بر منابع و جنبش‌های کسانی که تاکنون از چنین کنترلی محروم بوده‌اند» (رهنما، ۱۳۷۷). به‌طور کلی مشارکت یعنی متشکل شدن مردم در گروه، دسته و سازمان اجتماعی و تصمیم‌گیری و دخالت در امور جامعه، به نحوی که هر یک از اعضا دارای رأی و نظری برابر و همتراز با دیگران باشند (اشرف حامد به گفتهٔ اکیلا، ۱۳۸۵). مشارکت یک فرآیند مستمر است ولی ممکن است تحت هر شرایطی مناسب نباشد و باید مردم‌سالارانه بوده و تحمیلی نباشد، زیرا موقعیت‌های مختلف

نیاز به رهیافت‌های مختلف مشارکتی دارد. در واقع مشارکت باید به سویی سوق پیدا کند که به دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان نزدیک باشد و باید برحسب منافع واقعی مشارکت‌کنندگان تعریف شود، به‌طورکلی مشارکت نیاز به زمان دارد.

۴- زنان و موانع مشارکت

مشارکت در خلاء روی نمی‌دهد، بلکه تحت تأثیر عوامل متعددی صورت می‌پذیرد، لذا در کنار عناصر و پدیده‌های مختلفی که باعث تقویت و حمایت از مشارکت می‌شوند و از جمله مزایای مشارکت به‌شمار می‌روند (کارایی، اثربخشی، خوداتکایی، پوشش، پایداری). عواملی نیز وجود دارد که بر آن اثر منفی می‌گذارد که گاهی از آن‌ها تحت عنوان موانع مشارکت نام برده می‌شود (فمی و همکاران، ۱۳۸۳). در واقع، تشخیص موانع مشارکت، ارتباط مستقیمی با نقطه‌نظر شخص نسبت به مشارکت دارد. تلقی مشارکت به‌عنوان وسیله، به مجموعه‌ای از موانع اشاره می‌کند که معمولاً با روش‌های اجرایی وظیفه‌های که مشارکت بر عهده دارد، مرتبط است. از طرف دیگر، تلقی مشارکت به‌عنوان «هدف» نیز به موانعی اشاره می‌کند که بیشتر به روابط ساختاری و نهادی در دو سطح ملی و محلی مربوط می‌شود (اوکلی و مارسدن، ۱۹۸۹).

در اینجا می‌توان به برخی از محدودیت‌های مشارکت زنان روستایی در بخش کشاورزی اشاره کرد: نیاز شدید والدین به نیروی کار دختران، عدم دسترسی کارشناسان و برنامه‌ریزان آموزشی، نبود مکان‌های مناسب برای آموزش، وجود کلاس‌های مختلط و تعصب روستاییان بر این مسئله، هزینه گران تحصیل، نبود تصور نقش حیاتی برای زنان، وجود برخی سنن و اعتقادات اجتماعی و فرهنگی در باره زنان و دختران، ازدواج زودهنگام (صفری شالی، ۱۳۸۰). برخی از مهم‌ترین محدودیت‌هایی که بر توانایی زنان روستایی در ارتقاء سطح عملکرد، بازدهی و کارایی بخش کشاورزی تأثیر می‌گذارد، عبارت‌اند از: وضعیت فرهنگی و حقوقی زنان، رابطه بین عوامل اقلیمی، اقتصادی و وظایف زنان، نحوه مدیریت، طراحی و تأمین نیروی انسانی مورد نیاز خدمات کشاورزی (موحد و همکاران، ۱۳۸۵).

فقدان برنامه‌های مؤثر به‌منظور بهبود وضع زنان از خلاء عمده‌های نشئت می‌گیرد که در سیاست‌گذاری، سرمایه‌گذاری و پس‌انداز وجود دارد، البته این امر ناشی از عدم شناخت کامل قابلیت زنان در زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. مدت‌هاست که در کشورهای صنعتی، زنان نقش رسمی خود را در فعالیت‌ها و مشارکت اجتماعی و اقتصادی آغاز کرده‌اند، اما در کشور ایران، تغییرات آهسته است و تا زمانی که زنان از دسترسی به مشارکت در فرصت‌های کاری و اقتصادی منع می‌شوند، توسعه آهنگ‌کندی خواهد داشت، لذا باید راه‌حلی برای تسریع این تغییرات سازمانی و ساختاری اندیشیده شود (زارع شاه آباد ۱۳۸۵). با توجه به واقعیات موجود در جوامع کنونی و نیز با توجه به آن چه که گذشت موانع عمده‌ای که باعث کاهش میزان مشارکت زنان می‌شوند، عبارت‌اند از موانع آموزشی (هزینه، تعصبات، ازدواج زودهنگام و ...)، موانع فرهنگی و اجتماعی، موانع ساختاری، موانع اداری و سیاسی و موانع ناشی از نقش همسری مادری (صفری شالی، ۱۳۸۰). از سویی دیگر می‌توان به نابرابری‌های جنسیتی موجود اشاره کرد. مشارکت و درگیری زنان نسبت به مردان در برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری‌ها کمتر است؛ حرفه‌های مدیریتی و تصمیم‌گیری‌های نهایی حق مردان محسوب می‌شود؛ در بیشتر فعالیت‌ها، زنان توانایی اعمال کنترل بیشتر بر فرآیندهای اجرایی جهت دستیابی به منافع بیشتر را ندارند (لاگشامان، ۱۳۷۶).

۵- توسعه روستایی

واژه توسعه در لغت به معنای خروج از (لفاف) است. در قالب نظریه‌های نوسازی، لفاف همان جامعه سنتی و فرهنگ و ارزش‌های مربوط به آن است که جوامع برای متجدد شدن باید از این مرحله سنتی خارج شوند (رابرت، ۱۳۸۴). در تعریفی دیگر، توسعه فرآیندی از تغییر و دگرگونی است که نه تنها در زمینه اقتصادی، بلکه در زمینه سیستم اجتماعی، سازمان سیاسی و سرانجام ضوابطی که رفتارهای انسانی را در جامعه رهبری می‌کند، نیز اثر می‌گذارد (نراقی، ۱۳۷۰). حال به واژه توسعه روستایی می‌پردازیم. توسعه روستایی را می‌توان تغییر ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه روستایی از حالت اجتماع سنتی به سوی جامعه جدید دانست (سام آرا، ۱۳۷۸، به نقل از ازکیا، ۱۳۶۴) / توسعه روستایی را می‌توان بهبود شرایط زندگی توده‌های قشر کم درآمد ساکن روستا و خودکف‌کردن آنان در این روند دانست.

در واقع توسعه روستایی به‌عنوان راهبردی برای بهبود زندگی اجتماعی اقتصادی مردم فقیر روستایی در نظر گرفته شده است (رضوانی، ۱۳۸۱). در سال‌های اخیر نیز، مفهوم توسعه روستایی از دو جهت به‌طور قابل ملاحظه‌ای گسترش یافته است: نخست اینکه دیگر صرفاً به‌عنوان توسعه کشاورزی شناخته نمی‌شود؛ و ثانیاً، در حال حاضر توسعه روستایی به‌عنوان بهبود بخشیدن به سطح زندگی مردم تهیدست و خودگردان ساختن فرآیند توسعه زندگی ایشان، تعریف می‌شود (لاکشمنا، ۱۳۷۶). توسعه روستایی توسعه‌ای بر پایه مشارکت گروه‌های خاصی از مردم (از جمله فقیران و مستمندان) به‌منظور افزایش توانایی و قدرت مدیریت مردم است (جمشیدی، ۱۳۸۲). توسعه روستایی به‌طور مشخص یکی از وجوه مهم فعالیت‌های توسعه در سراسر جهان است. توجه به شمار مردمی که در نواحی روستایی زندگی می‌کنند، به‌ویژه در فقیرترین کشورهای در حال توسعه و وضعیت بسیار مخاطره‌آمیز زندگانی روستاییان در این کشورها، علت این اولویت‌گذاری و اهمیت آن را روشن می‌کند (ایمبودن، ۱۳۷۳). در این راستا می‌توان به اهداف و سیاست‌های کلی توسعه روستایی در اکثر کشورها اشاره کرد؛ از جمله: کاهش فقر روستایی، افزایش تولید و بهره‌وری، تأمین دسترسی برابر به امکانات روستایی، بهبود کیفیت زندگی روستایی از طریق تأمین زیرساخت‌های اساسی و خدمات اجتماعی، توانا ساختن مردم روستایی جهت مشارکت در ارگان‌های عمومی و محلی و همچنین مشارکت در همه تصمیم‌های متأثرکننده زندگی روستاییان، تقویت مؤسسه‌ها، نهادهای روستایی و مراکز عمومی - گردشگری (محمدپور، ۱۳۸۴).

۶- تعریف گردشگری

بر اساس تعریف سازمان جهانی توریسم، گردشگری یا معادل دقیق و درست انگلیسی آن توریسم، به همه فعالیت‌های افرادی اطلاق می‌شود که به مکان‌هایی خارج از محیط عادی خود، به‌منظور گذراندن ایام فراغت، انجام کار و سایر هدف‌ها، برای مدت کمتر از یک سال می‌روند. به این ترتیب، محدوده توریسم از مسافرت‌هایی که صرفاً به‌منظور گذراندن تعطیلات و سپری کردن چند روز برای دیدار دوستان و آشنایان و دیدن مناطق جذاب انجام می‌گیرد، بسی فراتر می‌رود. توریسم در معانی وسیع آن، علاوه بر گروه اشاره‌شده، شامل افرادی می‌شود که در ارتباط با کار و حرفه خویش سفر می‌کنند و آنان که فعالیت‌های علمی و تحقیقاتی انجام می‌دهند. به این ترتیب، دامنه تأثیرگذاری بر محیط و تأثیرپذیری آن از محیط، بسیار وسیع‌تر می‌شود. این جدیدترین تعریفی است که از طرف سازمان جهانی توریسم ارائه شده است. در تعریف گردشگری و

تعیین قلمرو آن، باید گروه‌های مختلفی را که در این صنعت مشارکت دارند و از آن تأثیر می‌پذیرند نیز لحاظ کرد. عوامل عمده در این صنعت عبارت‌اند از:

- ۱- توریست‌ها یا گردشگرانی که در صدد کسب تجارب فیزیکی و روانی و رضایت و راحتی از سفرند؛
- ۲- سازمان‌های فعال در زمینه تهیه و تدارک کالاها و خدمات مورد نیاز گردشگران؛ سازمان‌های مذکور از این طریق به منافع خود می‌اندیشند؛
- ۳- دولت کشور میزبان، شامل سیاستمدارانی که به گردشگری به‌عنوان وسیله‌ای برای ایجاد درآمد شهروندان و افزایش درآمدهای مالیاتی مستقیم و غیرمستقیم می‌نگرند؛
- ۴- جامعه میزبان، مردمانی که به گردشگران خدمات ارائه می‌دهند و با آن‌ها در تعامل هستند که این تعامل می‌تواند اثرات مثبت یا منفی داشته باشد (زاهدی، ۱۳۸۵).

بنابراین گردشگری مجموعه تعامل‌هایی است که در فرآیند جذب و میهماندار، بین توریست‌ها، سازمان‌های مسافرتی، دولت‌های مبدأ، دولت‌های میزبان و مردم محلی برقرار می‌شود (زاهدی، ۱۳۸۵).

- توسعه: مرحله رشد سریع گردشگری و تغییرات دراماتیک در همه جنبه‌های بخش گردشگری در یک مدت زمان نسبتاً کوتاه به وجود می‌آید. این مرحله نیز مانند سایر مراحل مدل به صورت انتقالی صورت می‌گیرد تا اینکه به سرعت صورت پذیرد. نرخ رشد واقعی گردشگر و خصوصیات رشد بستگی به عوامل جاذب و تلاش‌هایی دارد که برای کنترل مدیریت گردشگری می‌شود. مقصد گردشگری وارد یک سیستم یکپارچه رسمی گردشگری می‌شود که سیستمی از کمپانی‌های غیرمحلی و فراملی است و فعالیت گردشگری در قالب یک ساختار کاملاً سازمان‌یافته صورت می‌گیرد. هتل‌های کوچک موجود در شهرها تبدیل به هتل‌های بزرگ می‌شوند و در این مرحله دورنمای صنعت گردشگری در مقصد به صورت فراملی می‌شود و به موازات رشد صنعت گردشگری، رفتار و طرز برخورد مردم نسبت به گردشگران تغییر می‌کند. از آنجایی که در مرحله توسعه، کم سرمایه‌گذاران خارجی و غیربومی به منطقه روی می‌آورند، شکل و فضای منطقه عوض می‌شود و تغییرات زیادی پدید می‌آید، رابطه ساکنان و توریست کم می‌شود.

- تثبیت: در مرحله تثبیت، درآمد سرانه‌ای که از هر گردشگر به دست می‌آید، رو به کاهش می‌گذارد و در این مرحله نرخ رشد گردشگران و سایر فعالیت‌های مربوط به گردشگری کاهش می‌یابد، گرچه تعداد واقعی گردشگران در حال افزایش است. طبق نظر باتلر کل تعداد بازدیدکنندگان در یک سال بیش از جمعیت ساکن در مقصد است. آنچه در این مرحله دارای اهمیت است، این است که سطح توسعه گردشگری بیش از ظرفیت‌های کشش محیطی، اقتصادی و اجتماعی مقصد است و سبب رو به زوال رفتن محصولات گردشگری می‌شود و منطقه به حداکثر بهره‌برداری از ظرفیت خود می‌رسد. گردانندگان نعت گردشگری و زنجیره هتل‌ها ترتیب سفرهای توریستی را می‌دهند و مقصد، جزئی از یک سیستم یکپارچه می‌شود و گردشگری بر اقتصاد منطقه غالب است و جاذبه‌های موجود حالت تخصصی و غیروپژه به خود می‌گیرند. علاوه بر این فصلی بودن فعالیت گردشگری مانعی برای اقتصاد منطقه یا شهر است. از طرفی مشکلات اجتماعی و فرهنگی ظهور می‌کند. سرمایه‌گذاران خارجی شروع به بازگشت می‌کنند و این

اجبار پیش می‌آید که از هتل‌ها و تأسیسات ایجاد شده، استفاده‌های دیگری به عمل آید؛ مثلاً به خانه سالمندان تبدیل شود.

۷- گردشگری روستایی

در سال ۱۹۹۴ محقق به نام «لین» گردشگری روستایی را این‌طور تعریف کرد: «گردشگری روستایی عبارت است از فعالیت‌های توریستی که در روستا صورت می‌پذیرد». این تعریف در نظر اول ساده به نظر می‌رسد؛ اما با نگاهی دقیق‌تر درمی‌یابیم که در تعریف فوق بعضی واژه‌ها باید تحلیل شوند، به‌طور مثال محدوده و نوع فعالیت‌های توریستی در روستا باید مشخص شود. حوزه فعالیت‌های گردشگری در روستا عبارت‌اند از: گشت‌وگذار، فعالیت‌های آبی، فعالیت‌های هوایی، فعالیت‌های زمینی، فعالیت‌های ورزشی، فعالیت‌های اکتشافی، فعالیت‌های فرهنگی، دوره‌های یادگیری مهارت (ریچارد و جولیا شارپلی، ۱۳۸۰).

- گردشگری فرهنگی و آموزشی: این نوع گردشگری برای آشنایی موارث فرهنگی و هنری، آداب و رسوم، بناها و آثار تاریخی با هدف‌های آموزشی، تحقیقاتی و پژوهشی، صورت می‌گیرد.
- گردشگری اجتماعی: در این نوع گردشگری، عمدتاً هدف‌های اجتماعی، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی و امثال آن مد نظر است. دیدار دوستان و خویشاوندان نیز از نوع گردشگری اجتماعی به‌شمار می‌آید.

به‌طور کلی گردشگری فعالیت گسترده با ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و زیست محیطی است. گستردگی این فعالیت به اندازه‌ای است که توسعه آن بدون برنامه‌ریزی اصولی و مدیریت صحیح امکان‌پذیر نیست. طبیعی است که پیش‌نیاز انجام هر برنامه‌ریزی، توجه به تعاریف واژگان پایه در زمینه گردشگری و انجام تحلیل‌های درست و دقیق در این رابطه است، بنابراین لازم است گردشگری از جنبه‌های گوناگون بررسی؛ ارکان اصلی آن نیز به درستی تعریف و تحلیل و همچنین نظریه‌های مختلف در این رابطه ارزیابی شوند و در نهایت، طبقه‌بندی آن به درستی و البته به‌طور کامل انجام پذیرد؛ چرا که به‌طور مثال هر نوع طبقه‌بندی، توریسم یا معادل فارسی گردشگری خاصی را ایجاد می‌کنند و واضح است که هر نوع از این گردشگری‌ها جاذبه‌های مختلفی دارند و تأسیسات و همچنین خدمات رفاهی خاصی را نیاز دارند، بنابراین برای توسعه مطلوب نیازمند برنامه‌ریزی و مدیریت ویژه‌ای هستند که با نوع دیگر گردشگری متفاوت است. در هر حال، در دنیای کنونی نمی‌توان اهمیت گردشگری را نادیده گرفت. بسیاری، اهمیت گردشگری را صرفاً در ایجاد درآمد و فرصت‌های شغلی می‌دانند؛ درحالی‌که اهمیت و عظمت گردشگری به منافع اقتصادی محدود نمی‌شود و در صورت برنامه‌ریزی و توسعه برنامه‌ریزی شده، گردشگری قادر است که به بهبود شاخص‌های عدالت اجتماعی، ارتقاء سطح زندگی، رفاه عمومی، تعادل و توازن منطقه‌ای بینجامد (دیناری، ۱۳۸۴).

۸- نقش مؤثر زنان در توسعه گردشگری روستایی

طبق آمارهای سازمان جهانی گردشگری کارکنان صنعت گردشگری در سراسر جهان زنان هستند و فعالان زنان در این بخش، به‌ویژه به‌عنوان کارآفرین در مقایسه با سایر بخش‌های صنعت دو برابر است، به‌همین علت، سازمان جهانی گردشگری،



روز جهانی گردشگری را در سال ۲۰۰۷ به نام «زنان و صنعت گردشگری» نام‌گذاری و از این سال به بعد پژوهش‌های گسترده‌ای را در خصوص این موضوع آغاز کرد. آمارها نشان می‌دهد که سهم زنان از مدیریت گردشگری در سطح جهان در دنیای امروز از میان هر پنج وزیر جهانگردی، یک نفر است (موحد، ۱۳۸۵). در این راستا در روستاها تعداد زیادی از عوامل انسانی مولد، منابع طبیعی و اقتصادی وجود دارد که می‌تواند در پیشرفت جامعه نقش مهمی ایفا کند. رسیدن به توسعه‌ای برابر و پایدار در جامعه، بدون در نظر داشتن زنان روستایی، امری دست‌نیافتنی است. امروزه گردشگری روستایی یکی از فعالیت‌هایی است که به دلیل تنوع در مشاغل، می‌تواند زمینه اشتغال و توسعه کارآفرینی زنان روستایی را فراهم کند. آن‌ها به راحتی می‌توانند در کنار فعالیت‌های روزمره خانگی خود به فعالیت در زمینه گردشگری بپردازند. در این شاخه از صنعت گردشگری پتانسیل‌های فراوانی برای توانمندسازی زنان در جوامع روستایی و احیای شخصیت و هویت آن‌ها وجود دارد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که با افزایش تنوع اقتصادی در روستاها، پایداری اقتصادی افزایش می‌یابد؛ به گونه‌ای که میزان پایداری اقتصادی در سکونتگاهی که از تنوع شغلی بیشتری برخوردار بوده‌اند، به مراتب بیشتر از بقیه سکونتگاه‌هاست (عمادی، ۱۳۸۰)؛ بنابراین، جست‌وجوی راهکارهای تنوع بخشی سکونتگاه‌های روستایی به عنوان یک ضرورت به شمار می‌آید.

در روستاهای ایران به علت تنوع شرایط محیطی و فرهنگی قابلیت‌های زیادی در زمینه گردشگری ایجاد شده است که این امر در تنوع بخشی اقتصادی روستاها نقش مهمی دارد. مهم‌ترین مسئله‌ای که در این پژوهش با آن روبه‌رو هستیم، این است که با توجه به قابلیت‌های گردشگری موجود در منطقه مورد مطالعه چگونه می‌توان از قابلیت‌های زنان روستایی به منظور خودکفایی آنان گام برداشت. جامعه مورد مطالعه، یعنی زنان روستایی دارای قابلیت‌های بالقوه در زمینه‌های مختلف هستند. مسلماً آن‌ها اطلاعات بسیار زیادی از جامعه خود دارند و به مسائل، مشکلات، نیازها و راه‌حل‌های آن وقوف بیشتری دارند، اما در شرایط اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی، غالب روابط به گونه‌ای رقم خورده که آن‌ها در ارتباط با برنامه‌ها، پروژه‌ها و ... خود را منفعل می‌دانند. اغلب برنامه‌ها، طراحی پروژه‌ها و ... بدون حضور آن‌ها صورت می‌گیرد، اطلاعات بدون مشارکت آن‌ها تجزیه و تحلیل می‌شود، مسائل و مشکلات و حتی راه‌حل آن‌ها به صورتی از بالا به پایین صورت می‌گیرد. ناموفق بودن پروژه‌ها در جوامع روستایی از همین امر حکایت می‌کند، در حالی که با استفاده از روش‌های مشارکتی می‌توان، با مشارکت جامعه محلی و اقشار منزوی برای رفع مشکلات آنان اقدام کرد. نکته اصلی در روش، «ارزیابی مشارکتی روستایی» توجه به حضور اقشار منزوی و به خصوص زنان است. از این رو، این روش صرفاً ابزاری برای جمع‌آوری اطلاعات نیست؛ بلکه از دیگر ویژگی‌های مهم آن «توانمندسازی» جامعه محلی در میدان تحقیق و مشارکت فعال و مستقیم اطلاع‌رسانان در همه مراحل تحقیق است. (موحد، ۱۳۸۵).

۸-۱- تشکیل انجمن بانوان فعال در صنایع دستی و گردشگری

از آنجایی که یکی از احکام مهم سند برنامه ششم توسعه، به افزایش فرصت‌های شغلی برای زنان و توانمندسازی و ارتقاء این سرمایه‌های بی‌نظیر اجتماعی و فرهنگی اشاره می‌کند و همچنین برای رفع چالش‌های و افزایش مشارکت زنان در حوزه گردشگری؛ اقداماتی انجام شده است. یکی از این اقدامات تشکیل «انجمن بانوان فعال در صنایع دستی و گردشگری ایران»

است که با برگزاری چندین جلسه، نشست و نیز همایش بانوان در آذرماه سال ۹۵ با حضور ریاست محترم سازمان و مسئولان ذی‌ربط همراه بوده است که با توجه به پیگیری‌های صورت‌گرفته از سوی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری بالاخره در دی ماه سال ۹۶ این انجمن ثبت رسمی در وزارت کشور شد (موحد، ۱۳۸۵).

این انجمن که متشکل از پنج نفر هیئت امنا از شهرهای: اردبیل، قزوین، طبس، زواره اصفهان و تهران است و هم‌اکنون متشکل از ۱۴۰ بانوی فعال در حوزه گردشگری و صنایع دستی از تمامی استان‌های کشور است که می‌توان با هم‌افزایی و بهره‌گیری از توانمندی‌های یکدیگر برخی از مشکلات را رفع کنند. این انجمن، انجمنی غیرسیاسی و غیرانتفاعی است که تاکنون به ۳۱ استان کشور سفر کرده است. در واقع هدف اصلی از تشکیل این انجمن، شناسایی مشکلات و موانع پیش روی بانوان سرمایه‌گذار در صنعت گردشگری و صنایع دستی، ارائه راهکارهای مناسب، بررسی و شناسایی روش‌های سرمایه‌گذاری در زمینه گردشگری و صنایع دستی، تدوین مدل‌های استراتژیک سرمایه‌گذاری و استانداردسازی این صنعت است (عمادی، ۱۳۸۰). در سال‌های گذشته انجمن بانوان فعال در حوزه صنایع دستی و گردشگری؛ فعالیت‌هایی مانند: برگزاری نمایشگاه‌هایی با تمرکز بر زنان، مشارکت در نمایشگاه‌های مربوط به وزارت صنعت، معدن و تجارت با عنوان «نمایشگاه‌های توانمندسازی زنان» طی دو سال متوالی، تشویق و ترغیب زنان هنرمند به ایجاد تشکلهای مرتبط با حوزه صنایع دستی و تقویت این بخش با حضور زنان فعال انجام شده است. همچنین در سال‌های اخیر، تعداد مدیران زن در سازمان گردشگری افزایش یافته است و در هر حوزه‌ای از توانمندی مدیریتی زنان استفاده می‌شود.

۸-۲- برآورد نسبت زنان شاغل در صنعت گردشگری

زنان در همه بخش‌های صنعت گردشگری اعم از اقامتی، پذیرایی، سرمایه‌گذاری، دفاتر خدمات مسافرتی، راهنمای گردشگری، آموزش، سمن‌ها و نهادهای مدنی و... فعال هستند، به طوری که نسبت زنان شاغل در این صنعت حدود ۴۰ درصد برآورد می‌شود؛ اما در خصوص میزان فعالیت زنان در حوزه گردشگری آمار مستند و رسمی وجود ندارد. البته، این سازمان در جهت تشویق زنان به سرمایه‌گذاری و داشتن سهم مناسب در حوزه گردشگری متناسب با روند جهانی آن، زمینه‌سازی لازم برای ارائه آموزش‌های لازم و ارتقاء سطح مهارت و تخصص زنان را در دستور کار دارد، هر چند که نباید از این موضوع هم غافل شد که وجود یک بانو در رأس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری ایران در سال‌های اخیر نیز نویدبخش بهره‌مندی حداکثری از ظرفیت بانوان کارآفرین در این صنعت است و در زمان حاضر و به گفته مسئولان ۱۶۶ بانوی سرمایه‌گذار در حوزه سرمایه‌گذاری گردشگری در کشور فعالیت‌های مثبت و مؤثری دارند (موحد، ۱۳۸۵).

۸-۳- نقش زنان در توسعه اقامتگاه‌های روستایی کشور

رابطه صنعت گردشگری و زنان یک رابطه دو سویه است، چراکه از قدیم‌الایام زنان به دلیل خصوصیات فرهنگی و سبک زندگی ایرانی و اسلامی، در توسعه گردشگری ایران تأثیرگذار بوده‌اند. در این میان روستاها هم ستون فقرات زندگی اجتماعی در ایران بوده‌اند و به عنوان یک محیط تولیدی همواره نقش مهمی در اقتصاد کشور داشته‌اند که در این بین نقش زنان روستایی به دلیل مدیریت زنانه و سبک زندگی ایرانی و اسلامی بسیار پررنگ‌تر خود را نشان داده است. از سوی دیگر هم در سال‌های



اخیر که رویکرد جدیدی در گردشگری به وجود آمده و بسیاری از گردشگران ترجیح می‌دهند که به روستاها بروند و گردشگری روستایی را تجربه کنند، زنان در پذیرایی از اقامت گرفته تا خورد و خوارک گردشگران نقش مهمی را ایفا می‌کنند، همچنین با توجه به اینکه برای تحقق توسعه پایدار باید از تمام ظرفیت‌های بالقوه منابع انسانی استفاده کرد، پس نقش و ظرفیت زنان در صنعت گردشگری و بوم‌گردی روستایی را نمی‌توان نادیده گرفت. از این رو، در اقتصاد روستایی و در مقوله توسعه پایدار باید به این نکته مهم بیش از گذشته توجه کرد که زنان روستایی نقش درآمد خانواده و کاهش هزینه‌های تولید دارند و توسعه صنعت گردشگری در این روزها می‌تواند مشارکت اجتماعی زنان را نیز افزایش دهد که در نهایت، هم به نفع زنان و هم جامعه محلی است (دیناری، ۱۳۸۴).

۸-۴- چالش‌ها و مشکلات پیش روی زنان در صنعت گردشگری

* زنان بیشتر در بخش فعالیت‌های خدماتی و دفتری این صنعت مشغول‌اند و در سطوح بالایی اشتغال و مدیریت گردشگری در مقایسه با همکاران مرد خود نقش کم‌رنگ‌تری دارند.

* بانوان فعال در گردشگری به صورت متوسط ۱۰ تا ۱۵ درصد حقوق کمتری در مقایسه با همکاران مرد خود دریافت می‌کنند.

* عدم همگرایی و فقدان بسترهای لازم برای تشکیل انجمن‌های مرتبط: یکی از مشکلات زنان فعال اقتصادی علاقه‌مند در حوزه گردشگری، عدم همگرایی و فقدان بسترهای لازم برای تشکیل انجمن به منظور یکپارچگی برای رفع مشکلات و موانع پیش روی آن‌ها بوده تا از این طریق زنان به عنوان نیروهای توانمند در عرصه‌های مدیریتی و اجرایی و همچنین در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری به کار گرفته شوند. به جز موزه‌داری خصوصی که با سهولت بیشتری در شهر و روستای محل سکونت زنان قابل انجام است، فعالیت‌های دیگری چون مرمت و حفاظت از آثار، با سختی کار بیشتری روبه‌رو بوده و از این رو، کمتر مورد استقبال زنان است. برخی از فعالیت‌های دیگر نیز مستلزم دشواری‌های متعددی مانند سفرهای مکرر و فوری به مناطق دورافتاده برون‌شهری و مواجهه با ریسک‌های احتمالی متعدد است و چنین شرایطی، افزون بر آنکه سخت و طاقت‌فرساست، در مواردی به دلیل تأهل زنان، با شرایط زندگی خانوادگی و مسئولیت‌های مادری و همسری ایشان هم‌خوانی ندارد، البته، در حوزه گردشگری در زمینه ارائه خدمات، مجوزها، سرمایه‌گذاری و تسهیلات هیچ‌گونه نگاه و تفکیک جنسیتی وجود ندارد، لذا چالش خاصی در این خصوص مشهود نیست (دیناری، ۱۳۸۴).

۹- تحلیل قابلیت‌های زنان

مرکز گردشگری روستا برای به دست آوردن وضعیت فعالیت و قابلیت‌های زنان منطقه، جلسه ارزیابی مشارکتی با حضور زنان با قابلیت و کارآفرین روستای کندر تشکیل داد. در این جلسه هر کدام از آنان به معرفی قابلیت‌های خود در زمینه‌های مختلف پرداختند. همچنین پس از گفت‌و شنود از حاضرین در جلسه خواسته شد تا فهرستی از قابلیت‌های مختلف خود را نیز در برگه‌هایی که برای ثبت قابلیت‌ها در اختیار آنان قرار داده شده بود، یادداشت کنند، سپس داده‌های جلسه شفاهی و برگه‌های مذکور جمع‌آوری شد. پس از تجزیه و تحلیل بر اساس اطلاعات به دست آمده، قابلیت‌های آنان به ترتیب اولویت، به شرح زیر دسته‌بندی شد:



- تولید ترشیجات و مربای خانگی، تمام افراد شرکت‌کننده این توانایی را داشتند؛
- گیاهان دارویی، تعداد زیادی گیاهان دارویی محدوده را می‌شناختند و گاهی اوقات برای فروش به بازار عرضه می‌کردند؛
- باغداری و تولید انواع سبزی و میوه‌های محلی (باقلا، خیار، گوجه، انگور به‌عنوان محصول اصلی و ...)
- قالب‌بافی (جوراب، گیوه، عروسک، شال و ...)
- قالی‌بافی، حصیر و گلیم‌بافی؛
- خیاطی و تزیینات لباس؛
- دامداری و تولید محصولات لبنی، تعداد زیادی از آنان علاقه‌مند به پرورش گاو و تولید محصولات لبنی بودند؛
- نان محلی که تعدادی توانایی تولید نان محلی به مقدار زیادی را دارا بودند؛
- پرورش قارچ که تعداد محدودتری در این زمینه فعالیت داشتند؛
- تولید ورمی کمپوست.

۱۰- تحلیل عمده‌ترین موانع توسعه کارآفرینی

- در نگاه اول تصور بر این بود که زنان روستایی تنها به مشکلات شخصی خود خواهند پرداخت، درحالی‌که آن‌ها، به ترتیب اولویت به عمده‌ترین مشکلات موجود در دهستان که مانع بروز قابلیت‌های آنان می‌شود، پرداختند. مطابق اطلاعات حاصل از ارزیابی مشارکتی که موانع در آن نوشته شده بود، عمده‌ترین موانع کارآفرینی و توانمندی آنان به شرح زیر است:
- مهم‌ترین مشکل به نظر آنان نداشتن مشارکت گروهی عنوان شد و خواستار ایجاد تشکل‌های زنان روستایی در این منطقه شدند. به‌نظر آنان تشکیل تعاونی زنان روستایی می‌تواند در افزایش تولید و اطلاع‌رسانی برای تولیدات مورد نیاز، ایجاد اشتغال و حس همکاری و همدلی آنان بسیار مؤثر باشد؛
 - با توجه به توانایی جذب گردشگر در این دهستان، کمبود نمایشگاه و فروشگاه در مکان‌های توریستی جهت عرضه محصولات تولیدشده و کوتاه کردن دست واسطه‌ها دومین مانع عنوان شد؛
 - کمبود سرمایه اولیه، سومین مانع شمرده شد؛
 - ورود کالاهای خارجی با قیمت ارزان‌تر و زیباتر چهارمین مانع بیان شد؛
 - عدم آگاهی بازار کار از توانایی‌های زنان باقابلیت در منطقه، پنجمین مانع بود؛
 - محدودیتی که از طرف سرپرست خانوارها برای فعالیت زنان در فروش محصولات تولیدی وجود دارد، آخرین مانع برشمرده شد.

۱۱- تحلیل راهکارهای توسعه کارآفرینی زنان:

- طبق اطلاعات حاصل از ارزیابی مشارکتی که راهکارها در آن یادداشت شده بود، راهکارهای توسعه کارآفرینی و توانمندسازی زنان محدوده به شرح زیر بیان شد:
- ایجاد تشکل‌های زنان روستایی در دهستان جهت هماهنگی بیشتر در پیشبرد اهداف و برنامه‌ها؛
 - ایجاد نمایشگاه و فروشگاه در مکان‌های دارای قابلیت جذب توریست در دهستان، برای فروش محصولات محلی و صنایع دستی تولید شده توسط زنان به گردشگران به‌صورت مستقیم و بدون واسطه؛

- در اختیار گذاشتن دستگاه خشک‌کن و بسته‌بندی محصولات کشاورزی اعم از سبزی‌ها، میوه‌ها، گیاهان دارویی و... صنایع تبدیلی و بسته‌بندی محصولات کشاورزی (به‌وسیله دولت)؛
- در اختیار گذاشتن تسهیلات بانکی با بهره کم و بازپرداخت طولانی‌تر؛
- افزایش آگاهی زنان روستایی از نیاز گردشگران؛
- آموزش طرح‌ها و مدل‌های جدید صنایع دستی و قابل رقابت در بازارهای خارجی؛
- ایجاد بانک اطلاعاتی زنان دارای قابلیت در زمینه کارآفرینی با ذکر توانایی‌های آنان؛
- تعریض و افزایش امنیت جاده‌های اصلی که منجر به افزایش رضایتمندی توریست می‌شود؛
- ایجاد امکانات بیشتر و بهتر (اقامتگاه‌ها و رستوران‌های مناسب در مسیر اصلی برای جذب بیشتر توریست)؛
- ترویج فرهنگ خوداشتغالی و ترغیب مردان برای عدم ممانعت از کار اقتصادی زنان و توجه به نیاز زنان به کار و فعالیت برای افزایش درآمد و سطح زندگی خانواده؛ پس از اولویت‌بندی راهکارها در نهایت افراد با قابلیت به کارآفرینان حاضر معرفی شدند و اولین گام در راستای کارآفرین کردن زنان در این جلسه برداشته شد.

۱۲- نتیجه‌گیری

درحالی‌که اقتصاد ایران به‌عنوان یکی از اقتصادهای تک‌محصولی، به‌دلیل افت قیمت نفت در یکی دو سال اخیر با بحران کاهش درآمدهای ارزی مواجه شده و از سوی دیگر عمده محصولات صادراتی کشور به‌دلیل عدم فرآوری و خام‌فروشی ارزش افزوده چندانی برای اقتصاد کشور نداشته است، تجارت صنایع دستی و گردشگری با سهم چشمگیر در ایجاد اشتغال، هزینه تولید کم، تنوع تولید، نداشتن نیاز به زیرساخت‌های گسترده و نیازمند حجم زیاد سرمایه‌گذاری، یکی از ارکانی است که می‌تواند سهمی عمده و چشمگیر در رشد اقتصادی و افزایش درآمدهای ارزی کشور از محل صنایع غیرنفتی داشته باشد. با عنایت به این مهم، حمایت از صنایع دستی و گردشگری در راستای برنامه ارتقاء توان تولید ملی (درون‌زایی اقتصاد) به‌عنوان یک مأموریت از سه مأموریت سازمان میراث فرهنگی برای تحقق اقتصاد مقاومتی، قرار گرفته است. همچنین می‌توان به دیده شدن این صنعت در برنامه ششم توسعه، به‌عنوان یکی دیگر از نمودهای توجه به این حوزه و درک جایگاه آن در افزایش توان و تولید ملی اشاره کرد. در این راستا و با توجه به این مهم، انجمن بانوان حامی توسعه صنعت گردشگری ایران با توجه به نیاز فعلی جامعه، پس از بررسی‌های فراوان برای شناسایی بانوان سرمایه‌گذار و فعال در همه بخش‌های مرتبط با صنعت گردشگری شکل گرفته است که با هدف برندسازی، دیدن تمام لایه‌های صنعت گردشگری و صنایع دستی و همکاری و همراهی بانوان کشور با یکدیگر تشکیل شده و تاکنون در نزدیک کردن بانوان فعال کشور به یکدیگر بسیار موفق بوده است، بنابراین، توجه به حضور مستمر زنان در صنعت گردشگری و صنایع مرتبط از جمله: تولید پوشاک، صنایع غذایی و... می‌تواند زمینه‌ساز فعالیت‌های نو و همچنین ایجاد نشاط و شادابی در جامعه باشد (نراقی، ۱۳۷۰).

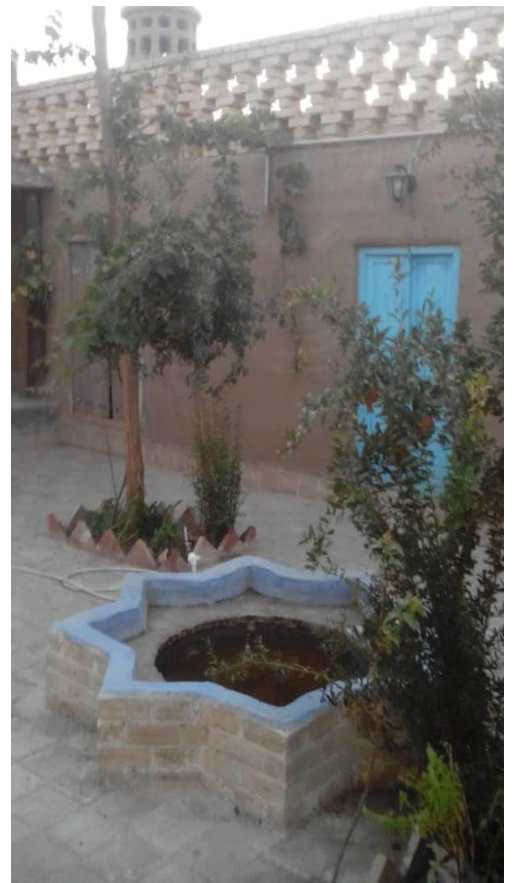
درحال حاضر با انجام این پژوهش اقدامات اولیه در راستای فعالیت‌های کارآفرینانه در زمینه توسعه گردشگری و توانمندسازی، در بین زنان محدوده شکل گرفته است که می‌توان با اجرای برنامه‌های فرهنگی - آموزشی و حمایت‌های مالی،

با حمایت دولت و همکاری بخش خصوصی، برای توانمندسازی زنان منطقه اقدام کرد. همچنین این روش به ما نشان داد که از این طریق می‌توان حلقه‌های ارتباط بین تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان از یک طرف و زنان با قابلیت و کارآفرینان از طرف دیگر را فراهم کرد. موانع اجتماعی و اقتصادی مهم‌ترین موانع برای توسعه کسب‌وکار است و با وجود زمینه‌های مناسب برای توسعه کارآفرینی در این منطقه، به دلیل وجود موانع، گردشگری هنوز نتوانسته است نقش مهمی در توانمندسازی زنان روستایی ایفا کند، بنابراین نتیجه می‌گیریم با وجود زمینه‌ها، قابلیت‌ها و علاقه‌مندی زنان کندر برای مشارکت در توسعه گردشگری و کارآفرینی از یک طرف و نیاز به اشتغال، کسب درآمد، استقلال مالی و توانمند شدن از طرف دیگر گردشگری روستایی هنوز نتوانسته است نقش مهمی در افزایش اشتغال، افزایش درآمد، بهبود وضعیت اجتماعی و کاهش فقر در این منطقه ایفا کند، درحالی‌که با توجه به پتانسیل‌های بالقوه و بالفعل موجود با رونق گردشگری در کندر، می‌توان به این مهم دست یافت.

مراجع

- آزادی، ح، کرمی، ع، (۱۳۷۶)، زنان روستایی، توسعه پایدار و تکنولوژی نوین؛ فراتحلیل، مجموعه مقالات گردهمایی زنان، مشارکت و کشاورزی، تهران: فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه.
- آقاجانی، س، (۱۳۸۶)، «راه‌های تقویت جاذبه‌های گردشگری در شهرهای ایران»، *شوراها*، شماره، ۲۰، ص ۲۰.
- اشرف‌حامدی، ع، (۱۳۸۵)، «چگونگی مشارکت زنان در شکل‌های اقتصادی اجتماعی روستایی استان گلستان»، *ماهنامه جهاد*، شماره ۲۷۵، سال ۲۶، ص ۱۰۱-۱۲۵.
- اوکلی، پ و مارسدن، د، (۱۳۷۰)، *رهیافت‌های مشارکت در توسعه روستایی*، ترجمه: منصور محمودنژاد، انتشارات جهاد سازندگی، سلسله انتشارات روستا و توسعه.
- حیدری، غ و جهان نما، ف، (۱۳۸۲)، «توانایی‌های زنان در بخش کشاورزی روستایی»، *فصلنامه پژوهش زنان*، دوره ۱، شماره ۶، ص ۱۲۹-۱۶۴.
- دیناری، الف، (۱۳۸۴)، *گردشگری شهری در ایران و جهان*، مشهد: انتشارات واژگان خرد.
- رسول زاده، م، (۱۳۸۷)، «ارائه الگوی مفهومی از شاخص‌های پایداری در توسعه روستایی»، *مجموعه مقالات اولین همایش ملی مدیریت و توسعه کشاورزی پایدار در ایران*، دی‌ماه، اهواز، ص ۱۷-۲۲.
- رحیمی، ح، (۱۳۸۰)، «نقش توانمندسازی مالی زنان در توسعه پایدار روستایی»، *مجموعه مقالات همایش اعتبارات خرد زنان روستایی و عشایر: معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد کشاورزی*، ص ۳۱۹-۳۳۳.
- رضوانی، م، (۱۳۸۱)، «برنامه‌ریزی توسعه روستایی (مفاهیم، راهبردها و فرآیندها)»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، ص ۲۲۱-۲۴۰.
- رضوانی؛ ع ۱۳۸۲، *جغرافیا و صنعت توریسم*، تهران: پیام نور.
- رهنما، م، ۱۳۷۷، *نگاهی نو به مفاهیم توسعه*، تهران: نشر مرکز.
- زارع شاه‌آبادی، (۱۳۸۵)، «تحلیل برنامه‌های آموزشی آموزشگران برنامه‌های آموزشی ترویجی از نظر زنان روستایی استان یزد»، *ماهنامه جهاد*، شماره ۲۷۲، سال ۲۶، ص ۴۳-۵۵.
- زاهدی، ش، (۱۳۸۵)، «بانی توریسم و اکوتوریسم پایدار، با تأکید بر محیط زیست»، *دانشگاه علامه طباطبایی*، شماره نشر ۱۹۱، تهران.
- شاربلی، ریچارد و جولیا، (۱۳۸۰)، *گردشگری روستایی*، ترجمه دکتر رحمت‌اله منشی‌زاده - فاطمه نصیری، تهران: نشر منشی.

- فمی، ح.، عل بیبگی، الف و شری فزاده، الف، (۱۳۸۳)، رهیافت‌ها و فنون مشارکت در ترویج کشاورزی و توسعه روستایی، تهران: انتشارات مؤسسه توسعه روستایی ایران.
- صفری‌شالی، ر، (۱۳۸۰)، «نقش توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی زنان در توسعه پایدار روستایی»، مجموعه مقالات همایش اعتبارات خرد زنان روستایی و عشایر، معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد کشاورزی، ص ۱۱۳-۱۳۸.
- عمادی، م، (۱۳۷۷)، «تسریع روند توسعه روستایی از طریق اولویت بخشی به زنان و تحول در پژوهش»، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۲، شماره ۴، ص ۱-۲۵.
- عمادی، م، (۱۳۸۰)، «مشارکت زنان در توسعه روستایی»، مجموعه مقالات همایش اعتبارات خرد زنان روستایی، دفتر امور زنان روستایی و عشایر، معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد کشاورزی، ص ۲۹-۳۸.
- لاکسمانان، تی.آر، (۱۳۷۶)، «مدل در حال پیدایش توسعه روستایی»، ترجمه علی‌اکبر، فصلنامه توسعه و روستا، شماره ۱، سال ۱، مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی وزارت جهاد سازندگی، ص ۷-۱۱۰.
- محمدپور، الف، (۱۳۸۴)، «مقدمه‌ای بر نظریه‌پردازی و روش‌شناسی نو؛ در مطالعات توسعه روستایی و توسعه روستایی پایدار معاصر»، مجموعه مقالات همایش سیاست‌ها و مدیریت برنامه‌های رشد و توسعه در ایران، جلد ۵، مدیریت و برنامه ریزی توسعه، تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، ص ۵۲۰.
- موحد، ح.، لشگرآرا، ف و کرکه آبادی، ن، (۱۳۸۵)، «تحلیل جنسیتی و زنان روستایی»، ماهنامه جهاد، شماره ۲۳۷، سال ۲۶، ص ۲۶۶-۲۹۱.
- نراقی، ی، (۱۳۷۰)، «توسعه و کشورهای توسعه‌نیافته: مطالعه تحلیلی از جنبه‌های نظری تاریخی توسعه‌نیافتگی، شرکت سهامی انتشار.



تصاویری از مرکز گردشگری روستای کندر (منطقه ترشیز)